

من کی ام؟!

"به یاد ۳ گل پرپر شده کورد در پاریس" ⁱ

د. کامران امین آوه



من فرزند سرزمینی هستم که اشغالگرانش در آستانه ۵۰۰ سالگی تقسیم آنⁱⁱ، او را در تبعیدگاه نیز مشمول خشم و غضب خود نموده، پرچم سفیدش را با خشم و کینه تاریخی و آتش گلوله به رنگ سرخ مبدل میسازند. من از تبار انسانهایی هستم که بجرم دفاع از آزادی سرزمینشان پشت میز مذاکره تیرباران میشوند. من فرزند خاکی هستم که پیر و جوان آن را انفال میکنند، با بمبهای شیمیایی به قتل میرسانند و نمایندگان صلح و دوستی یا آنهایی که خود را هم وطن مینامند، آن را نادیده میگیرندⁱⁱⁱ. من فرزند گوشه‌ای از این دنیای بزرگ هستم که هم میهن‌اش را به جرم آزاداندیشی و دفاع از حقوق بشر به پشت میله‌های زندان انداخته، او را از دیدن و کمک به فرزند بیمارش محروم میسازند. من فرزند آن سرزمینی هستم که تکلم به زبان مادری را در آنجا گناه کبیره دانسته، بخشنامه‌ها برای ممنوع ساختن آن صادر

میسازند.^{iv} من فرزند آب و خاکی هستم که او را به جرم "من بودن" ترک کوهی میخوانند و میخوانند "من بودن او" را در نطفه خفه سازند. من زاده سرزمینی هستم که روستاها و شهرهایش از سوی سپاهیان اسلام حسینی به توپ بسته شده، مردمش قتل عام میشوند و نام این ژنوساید را دفاع از تمامیت ارضی و اسلام عزیز میخوانند.^v من از تبار آن بزرگ مردی هستم که هنگام فراخواندنش برای بستن پیمان آشتی به گلوله بسته شده، جنازه‌اش را برای عبرت مردم به نمایش میگذارند.^{vi} من از سرزمین آن پاک سرشتم که با فرستادن کتاب آسمانی امضاء شده از سوی نماینده خدا، او را به استانبول میکشند و دست و پا بسته در وارنا زنده زنده طعمه مار و عقرب و ... میسازند.^{vii} من از دیار رادمردانی هستم که در مهاباد^{viii}، دیاربکر^{ix} و ... برای رهایی و استقلال سرزمین اشغال شده‌اش مردانه به پای چوبه‌دار میروند. من از دیاری مردمی هستم که سرکوبگرانش، برافراشتگان پرچم صلح و آشتی و تلاش برای گذاشتن نقطه پایانی به این همه جنگ و کشتار را با ترور و زندان و شکنجه جواب میدهند. من از دیاری مردمی هستم که کولبهران زحمتکش آن را، در مرزهایی سرزمین تقسیم شده‌اش بیرحمانه به قتل میرسانند. من فرزند خاک و بومی هستم که حتی حق شهروندی و داشتن شناسنامه را نیز بر او روا نمی‌بینند.^x من زاده سرزمینی هستم که علیرغم ظلم و ستمی که پنج سده بر آن می‌رود، فرزندان در شهرها، روستاها و کوه‌های سربرافراشته آن برای آزادی و رهایی ملی مبارزه میکنند. من همانی هستم که با قلمی در یک دست و سلاحی در دست دیگر برای وحدت سرزمین پاره پاره شده‌اش، رسیدن به صلح و آشتی، سعادت و خوشبختی و آرامش فرزندان و نسلهای آتی میهنش می‌جنگد، گر هنوز نمی‌شناسیم "من کوردم از سرزمین کوردستانم!"

سکینه جان سز از موسسین و رهبران حزب کارگران کردستان به همراه دو تن دیگر از زنان سیاستمدار کرد به نام های لیلیا سویلمز و فیدان دوغان نماینده "کنگره ملی کردستان" در پاریس در دفتر "مرکز اطلاعات کردستان" در پاریس توسط افرادی ناشناس در ۹ ژانویه ۲۰۱۳ ترور شدند "سکینه جان سز مدت بیست سال را در زندان های ترکیه سپری کرده بود.

اُدر سال ۱۵۱۴ اولین تقسیم سرزمین کردستان در پی جنگ چالدران در میان کشورهای ایران و عثمانی صورت گرفت.

iii در ۱۶ مارس ۱۹۸۸ هزاران نفر از مردم حلبچه در کردستان عراق قربانی بمباران شیمیایی رژیم صدام شدند. اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق هیچ واکنشی به این کشتار جمعی نشان نداده، بر خلاف انتظار نماینده اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سازمان ملل متحد با وقاحت تمام آن را توطئه رسانه‌های گروهی غرب برضد دولت عراق خواند. در تابستان ۱۹۸۳ بیش از ۸۰ هزار زن و بچه از منطقه بارزان واقع در جنوب کردستان [عراق] توسط ارتش بعث قتل عام شدند. بعد از وقوع این جنایت تاریخی که عنوان انفال بخود گرفت صدام حسین در سخنرانی تلویزیونی خود اعلام کرد: این خائنان حالا قطعا در جهنم هستند.

iv به گزارش آژانس خبرسانی گُردپا، شنبه نهم دی‌ماه اداره‌ی کل آموزش و پرورش کرمانشاه در بخشنامه‌ی به کلیه‌ی معلمان و دانش آموزان این استان هشدار می‌دهد که تدریس و محاوره در محیط‌های آموزشی باید با زبان فارسی باشد و تحت هیچ شرایطی از زبان کُردی و گویش‌های مختلف آن استفاده نشود.

v در اواخر تابستان ۱۳۵۸ با یورش سپاهیان اسلام به رهبری ملا حسنی اهالی بیگناه روستاهای قارنا، قلاتان و ایندرفاش کشتار دستجمعی شدند.

vi اسماعیل آغای سموکو یکی از رهبران استقلال طلب کورد بود که در بهار سال ۱۹۲۲ خود را پادشاه کردستان مستقل اعلام کرده، شروع به انتشار روزنامه "کردستان" کرد، او رابطه نزدیکی با شیخ محمد خیابانی رهبر جنبش ملی آذربایجان و شیخ محمود رهبر جنبش ملی در جنوب کردستان داشت. سموکو در ۱۸ ژوئیه ۱۹۳۰ در حالی که برای مذاکره دعوت شده بود در شهر اشنویه توسط نیروهای سرکوبگر شاه به قتل رسید. متأسفانه وقایع‌نگاران و تاریخ نویسان ایرانی از جمله احمد کسروی چهره‌ای به غایت تحریف شده از او به تصویر کشیده‌اند.

vii ویس بیگ یکی از امیرهای بدرخان بود که در جنگ با سلطان عثمانی بخش بزرگی از خاک کردستان را آزاد کرده بود. او بر پایه قول و سوگند سلطان عثمانی و دریافت قرآنی که پشت آن از سوی سلطان امضاء شده بود به استانبول می‌رود، سلطان علیرغم سوگندی که خورده بود ویس بیگ را دستگیر و به وارنا می‌فرستد. در آنجا دست و پای او را بسسته، عسل و شکرآب به تنش مالیده، او را نمدپیچی میکنند تا عقربها، مارها و زنبورها و او را زنده زنده خورده، از بین می‌برند.

viii پیشوا قاضی محمد در سحرگاه ۳۱ مارس ۱۹۴۷ همراه با صدر و سیف قاضی در میدان چهار چراغ مه‌باد اعدام شد.

ix شیخ سعید پیران رهبر قیام کردهای شمال کردستان [ترکیه] در ۲۴ ژوئن ۱۹۲۵ در شهر دیاربکر همراه با ۴۷ نفر از یارانش اعدام شد.

x در غرب کردستان [سوریه] بیش از ۱۰۰ هزار کورد از داشتن حق تابعیت محروم هستند.

منبع: <http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=50319>